چه انقلاب و حکومت ها بین ایران و سرمایه ها می خواهم را به وجود آمده باشد؟

۱۵۱

از طرف امام حمایت می کردند. و توسط دولت بعد از انقلاب کم حمایت آنها را
دو بیداری از قضایای حادثه ای که در منطقه شمال کردستان بیشتر جنوب و اهمیت مکان بخوبی نشان می دهد
و حمایت آن نیز دوباره عمل شده و دلگرمی های انقلاب نیز در حمایت از آنها و سرکوب می کند
و عمل کنند. خوب با این تفاصیل چرا باید آنها را دوباره تغییر پیدا کنند؟ و چرا
این موضوع را هم در نظر بگیریم در حین تصمیم گیری از بیانات حضوری شان فهمیدم
دولت بعد از پیروزی و سرکوب دولت آن کاملاً ثبات خود را داشت. یعنی بعد از انکه به
قرص و محکم به انسان تصمیم گیری است. حتی تصمیم گیری است در موضوع استعفای ما
بعد از دلگرمی و دولت نه اینکه دولت قصد استعفا نبود داشته است
بطرف دولت ما
بارها به صحبت کردن این تغییر صورت گرفته است. اگر این تغییر با
طرف امام تایید کرد. چون امام دلگرمی حامی این بود و استعفای آنها را
قبول آن
صورت گرفته است. در حالی که تمامی اعضای حامی و متحد برای حفظ شهر باشد
معدوم شود در آن
ما با یک اصلاح سه طرفه روبرو هستیم نه یک طرفه. این
بین دولت یعنی کسی بود که برای ایران و نیروهای خود مسلمان هستند. و طرف دوم قرار داشتند
و ما با خود آنها حادثه ای که در آن صورت بر روی خود داشت که در همان لحظه
توسط طرف دوم از صحنه حذف شده است. در دولت و نیروهای خود و در این
بحث کم اعمال این شرکت. چه ۱۵ برابر و نزدیک به ۱۰ برابر و عنصری تشکیل و
مجتمع شده که برای خود مستقل و قدرت ما فوق باکی بودند.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۵۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آیت‌الله مرعشی را تبریک می‌دهد. این در هر حال استقبال با تعهد شخص و تعیین در مقابل
مردم و رأی‌دهی و در هفته بعد نتیجه کار کنند و طبیعی است در نظم کار خیری و
استفاده صرف و بی‌اعتنا بشدن آنها و قول و عمل شان [illegible] مبنی کرامه شان.

تا اینجا را حین بحث می‌کردم صفت و معرفی آیت‌الله شریعتمداری در مواد ذیل این و بر ادامه بحث
و بر حضور شتابی در رسانه است

۱- مصرع را زدم: مصرع نظام را که مرکز بود و علیه نحال شیخ حلبی در تهران از جمله
تاسیس غیر رالله دل بیاقته که چون کشف آیت‌الله آنرا ملغی کرد: مصرع مهمی بود آن که بالا بود
نظر اصلی از مخالفت با کسی تقضی لزوم
بعد از نوشتن با سکیت آیت‌الله [illegible] مرکز آن [illegible] ۲- خود در تبلیغ از آن
خودداری نمود.
و مهم‌تر آنکه لوح برزدم تکیل آن

گرچه آیت‌الله میگفتند من در آن شرکت می‌کنم که آیت‌الله این امر را از میم کرده‌ام و هنوز
نمیدانم دل شنی چه بود، چون تا حل از این واقع میدانم در جمهوری اسلامی قسم نیست
در انتخابات شرکت کنند و حتی کاندیدای برای امام نمیدانم بر کنار دارم. و بعد از این اسلام
[illegible] آیت‌الله
[illegible] جمهوری اسلامی [illegible] آیت‌الله
در مورد انتخابات اسلام می‌کند در انتخابات شرکت می‌کند! و به‌ای [illegible]
[illegible] حزب جمهوری اسلامی [illegible] بنای [illegible]
حضرت آیت‌الله حزب جمهوری اسلامی در انتخابات تهران [illegible] آیت‌الله [illegible]

www.iran-archive.com

و در آن تعادل از رهبران حزب [illegible] در مقابل این ضربه‌ای دهند که نه از دین بلکه
از دیگر [illegible] برای آنها و آزادی [illegible] تلقی شده و هم استفاده از دولت. البته من نمیدانم
برای حزب و اعضای آن چه خواهد شد ولی [illegible] انتظار بعضی از اعمال حزب
خلاصه بود که [illegible] دلسرد کننده و مجبور باشند با تجمع اعضای آن در جبهه اصلاح و مرکزی
[illegible] ایجاد شود با ترمیم به شکل فردی [illegible] در ایران [illegible] این تشکل [illegible]
[illegible] فرد [illegible] ایجاد بشود و به اثر [illegible] رفتن [illegible] عمل شوند [illegible]
[illegible] از طرف فردی حزب [illegible] باشد بلکه جانب ترجیح این است که
[illegible] در [illegible] بود [illegible] ضمن تعریف [illegible] حزب [illegible] دیگر [illegible]
داشته و [illegible] حزب [illegible] قطع [illegible] حزب
عمل شود. اما من نمیدانم بعد از این استعفا اعضا و [illegible] حزب [illegible]
[illegible] داشته [illegible] از [illegible] و [illegible] این حزب
[illegible] حزب [illegible] در [illegible] و [illegible] صبح
[illegible] قبل [illegible] مقصود و مقتضی [illegible] تا [illegible] این [illegible]
[illegible] در [illegible] حزب [illegible] با [illegible] آمده [illegible]
با [illegible] تا [illegible] دوام [illegible] آمده.
و اما [illegible] آن [illegible] در [illegible] ایران [illegible]
در تهران بود. [illegible] اسلام [illegible] شده [illegible]

۱۹۰/۵

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱ـ [illegible] ۹۱۰۰۰ تومان
۲ـ [illegible] ۹۲۷۰۰ تومان ۱۴ـ [illegible] ۹۰۰۰۰ "
۳ـ [illegible] ۸۹۸۹۶ تومان ۱۵ـ [illegible] ۷۸۰۰۰ "
۴ـ [illegible] ۸۲۷۰۰۰ تومان ۱۶ـ [illegible] ۷۶۰۰۰ "
۵ـ [illegible] ۸۰۰۰۰۰ تومان ۱۷ـ [illegible] ۷۰۰۰۰ "
۶ـ [illegible] ۷۳۰۰۰۰ تومان ۱۸ـ [illegible] ۶۷۰۰۰ "
۷ـ [illegible] ۷۲۸۰۰۰ " ۱۹ـ [illegible] ۶۲۰۰۰ "
۸ـ [illegible] ۷۲۰۰۰ " ۲۰ـ [illegible] ۶۸۰۰۰ تومان
۹ـ [illegible] ۷۱۶۰۰۰ "
۱۰ـ [illegible] ۷۱۶۰۰۰ "
۱۱ـ [illegible] ۱۳۲۰۰۰ "
۱۲ـ [illegible] ۱۲۱۲۹۰ "

[illegible]

www.iran-archive.com

البته همه آراء نمی‌رسد را بنیاد حساب کل آمار قرار گذاشته‌ایم ولی همین نمونه آماری طلاق‌ها
از اکثریت بلوک‌ها مخصوصاً از صبح لیبرال‌ها و حتی بلوک سیاه‌ها نیز رای به دست آمده است

وضعیت آراء

۹ کاندیدای بعدی

وصیت‌ها نیز بر اساس آن رای داده‌اند. کنار یکدیگر ایم صد متوسط آراء حزب حاکم نمی‌
و نیز آراء مذهبی اسلامی را می‌گیریم رقمی در حدود ۸۰۰/۰۰۰ نفر
برآورد کنیم. البته تا انجام آمار تمام شده است ۱۸ کشور هنوز لیست کشور
اتفاقیه و لیست آراء سعد نظر است. این استدلال را نمی‌کنیم — یعنی
از جمع آراء میان نفر ۸۰۰/۰۰۰ نفر متعلق به رای بلوک یعنی بلوک حاکم
رای داده‌اند — همان ۷۰۰/۰۰۰ نفر یعنی — عده‌ای که از بلوک به بلوک‌های دیگر از جمله به بلوک
مجاهدین رای داده‌اند. اگر قبول داشته باشیم آراء این عده به آراء سعد رجوع
کنند تعداد ۱۴۰۰۰ نفر کم شود باقی ۵۶۰/۰۰۰ نفر رقمی را در حدود
تقریباً سیصد هزار نفر در بین بلوک‌های دیگر اعانات توزیع شده است. از بین آرای بلوک‌ها
عمده‌ترین بلوک لیبرال‌ها مثل صبح سیاه جوانی است. اگر
باز قبول داشته باشیم تمرکز رای این بلوک در آراء صبح سیاه جوانی متمرکز خواهد شد
آنگاه با قیاس به کسانی که نه به بلوک مذهبی تعلق دارند نه به بلوک مجاهدین و نه به بلوک
لیبرال‌های جنبشی رای داده‌اند — البته تا زمان صبح سیاه جوانی از طرف حزب حاکم
دیگر تحت فشار قرار گرفته است — و در این حال تا زمان تنظیم آمار هم آراء موقت است
در این حال به آیت‌الله طالقانی و ولی داده‌اند رقمی در حدود ۴۰۰۰۰ نفر می‌رسد
حزب اکثریت با توجه به لیست رای‌گیری دو دیگر بلوک‌ها هستند آراء قبل رقمی
آزادیها

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۶۰

۱۹۴/۵

www.iran-archive.com

* ساعت نزدیک ۹ بعد از ظهر است. آنهم ۹ بعد از ظهر روز جمعه. با همان [illegible] منصب
نشریک هم عصرها هم نمی‌دانم. چرا نمی‌دانم این تاریکی امروز غمگین دلم را
فرو گرفته. شاید به خاطر کردن از زمان‌های دیگر که عصر جمعه و یا نزدیک عصر تاریکی از آسمان
روزهای دیگر بیشتر است. خیلی ساعتی را در اتاق را چراغ را می‌کنم. امروز جمعه کتاب دیدم
[illegible] را نوشته‌ام یا گوش به رادیو [illegible] نشسته‌ام. تا بوی [illegible] آن [illegible] همین حال
و [illegible] ضعیف [illegible] از شب مجرد و بی‌کاری است. فقط می‌توانم
میوه‌ها و کلاه را می‌زنم. شیشه هم و برای [illegible] تا [illegible] دیگر صدا
به نزدیک شیشه بروم. مجموعاً [illegible] ۳۰ قرص [illegible] مانده [illegible]
[illegible] ۲ و ۵ [illegible] رفته [illegible] در زمان [illegible] و [illegible]
با [illegible] در اتاق [illegible] خواب است و [illegible]
[illegible] سیده. [illegible] مصرف [illegible] آن [illegible] و بی‌حرکتی و غم
[illegible] تاریکی [illegible] اتاق [illegible] حکومت
می‌کند. هر چه [illegible] روشن هم [illegible] کم نمی‌شود. بلند شوم در خیابان آزادی
قدری قدم بزنم.

* شنبه ۲۰ مرداد ۵۸ ساعت ۱۰ صبح

مطلب [illegible] را [illegible] تا کم [illegible] [illegible]
[illegible] اما این [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] در وقت اول [illegible] در این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] برای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] آنان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

www.iran-archive.com

انتقادی از دیدگاه مارکسیستی

تنها کسی بر کار از نظر اقتصادی کارگر در مکتب صنعت و صنایع در دوره توسعه آن دوره است
می تواند علل واقعی بروز آن را بیابد و در نتیجه دورانی واقعبینی و درک [illegible] را
[illegible] حاصل کند. این بررسی انتقادی را ممکن سازد و ما را بجای یک برخورد ذهنی با کرون احداث
[illegible] ما تاریخ را هستی و علت واقعی بروز دوره ها را نشان [illegible] سازد و مبارزه اکنون سعی می کنم
[illegible] ادوات [illegible] احدی بترسم و تا آنجا که توانائی محدود و [illegible] اجازه میدهد با نظم [illegible] در مقام
نسبت به [illegible] پاسخگوئی برایم. خوب فکر می کنم سؤالی و [illegible] در ذهن
خوانده مطرح شده و برای طرح آن مرتبت بردباری و شکیبائی آن [illegible] این [illegible] و [illegible] ما
[illegible] این گروه ها و سازمانها [illegible] بررسی محل آگاهی و [illegible] حرکت می کنند نه [illegible] به دنبال
یک [illegible] و [illegible] آیا آنها با [illegible] سؤال اجتماع و واقعیات و ضرورت خود هستند یا خیر؟
[illegible] آیا [illegible] سازمانها [illegible] به ابزار و [illegible] علمی مجهز [illegible] می توانند در چه [illegible]
[illegible] مقتضیات و ضروریات اقتصادی دوره خود [illegible] تاریخ [illegible] و تأثیر بگذارند یا خیر؟ و اگر آنها
قادر به این تأثیرگذاری بودند آیا مبنای آن بود که آنان دارای اختیار و قدرت انتخاب بودند
و در این صورت در مقابل خطاها و شکست ها آنان مسئول و مقصر نه؟

و [illegible] در مقابل خطاها و شکست ها آنان مسئول و مقصر نه؟
[illegible] یعنی اگر حقیقتاً مسئولیت و تقصیری در مقابل کارها و خطاها بود [illegible] چه تفاوتی
[illegible] است [illegible] یعنی [illegible] آیا [illegible] است [illegible]
[illegible] آگاه [illegible] و [illegible] مقتضیات [illegible] مبدلیم [illegible]
برای [illegible] از [illegible] و [illegible] برای تأثیرگذاری [illegible] و [illegible] شرایط
[illegible] اقتصادی [illegible] صحبت [illegible]
[illegible] بین الملل [illegible] انقلاب پرولتری [illegible]
[illegible] سطح تقابل [illegible] تجزیه [illegible]

www.iran-archive.com

سطر ۹: مستقیماً به بررسی دو مقوله کاملاً متفاوت - هر چند مرتبط بهم - منجر می‌شود. یکی کلیه تاریخ که
تحلیل و بررسی علمی از یک واقعه یا جریان سیاسی، اجتماعی، متعلق به گذشته را در بر می‌گیرد، و دیگری مهنه
وظائف و مسئولیتهای کنونی، و تاکتیک و خط‌مشی زنده روز یا آینده نزدیک را شامل می‌شود. بحران شمال
15c

این جا نه راستی اگر زمستی نیروهای مولده نمیخواهد و با این حکم آنان در هند اگر زمستی آنان را به مجاله
کشید و بعد نقش انقلاب چه شد؟ و لنین آیا نباید پرسید نیز نقش نیروها و سازمانهای آگاه کمونیستی
در این میان به کجا رفت؟ آیا چنین برخوردی با اشتباهات و خطاهای انقلاب و تاکید بر نیروی
تیره گذشته ای

فقط تعیین کننده حرکت صیری و فوری کردن انقلاب و نیروهای محرکه انقلاب، نوعی نزول مجدد به تئوری اگر زمستی
نیروهای مولده و توجیه وقتی تشریح سیر آینده انقلاب و رشد بعدی جریان و تداوم کوادت است؟
حتی در این تاریخ
اگر می‌گوئیم که طبقه کارگر ایران مسئولیت هنوز ادامه داشته باشد آیا اگر کوتاهی آن آخرین به حیثیت یک گفتمان
صلح و سرطان یک مساعد صلح منجر شود!
تولید
نخست اجازه بدهید دو موضوع را لازم تفکیک کنیم: آنچه در اتفاق افتاده و متعلق به گذشته
است و آنچه در هنوز اتفاق نیافتاده و در شرف وقوع و اتفاق افتادن است. بررسی این دو موضوع کاملاً
وجه اساسی
فرانسه یک مرحله از انقلاب ایران در هدف و اگر نظام سلطنتی را دنبال نکرد با کودتا در ۲۲ بهمن ماه
۵۷ به اینجا رسید. این واقعه ای است که اگر در تاریخ ۲۲ بهمن متعلق به گذشته محسوب شود
بحرانی بر پایه دشمنی با اعتباری ایران و دیگر مسائل محرکه تهیه برای آن تبدیل شده و مراحل
اصلی ایران شکل عمومی و بازدارنده از سال ۲۲ بعد و شکل صادر و [illegible] فرا آمده آن را از سال ۴۴
به بعد دولت اقتصاد کردها و بحران گرمای [illegible] و برنامه های کار کارگر
مبانی اقتصادی مشترک (به شمار رود) داشته و به تبدیل و تلاش بطور کلی در تاریخ
مصیبت است دو کلام در این برخورد به مراحلی ایجاد کردند. چه نقشی این نیروها و جنبش شرکتی
با تاریخ گذشته چه ارتباط دارد در روز ۲۲ بهمن گیر مرحله بود به مقوله تاریخ و گذشته
از ۲۲ بهمن انقلاب و انقلاب در مرحله تازه ای شد. در این مرحله اساساً این گرایش و تحمیل مبارزه
[illegible]

۱۹۷/۵

وظایف ما در قبال سلطنتی دهه دیگر تاریخ سلطنتی لهراسب و کردهای سازمان آگاه که در گذشته جریان داشته است لیک

۱۵۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

با حضور صاحب و خصوصاً نسبت به مورد ثبت است

۱۹۵

در اینجا شما فکر می‌کنم حداقل این است که خود آن واقعه، خود واقعیت آن و بدون مجسم
و همچنین قابل اعتماد و غیر قابل تغییر هم مورد است و کار ما بر روی آن یک محقق یا یک گر
تاریخ [illegible] اینکه مجموعه آن عمل و عوامل را به بررسی و توضیح آن حادثه و آن جریان منجر شده است
نمونه عملی نیز از یک دیدگاه و مادی، کشف و روشن نماییم. [illegible] برای اینکار، ما نه تنها آن واقعه
و آن جریان مرتبط به گذشته را بطور ناب و خالص مورد بررسی داریم بلکه مجموعه بسیاری از
حوادث و شرایط پیرامون آنرا هم در دست داریم و می‌دانیم و بازنمایی علاوه بر همه اینها نمونه‌های
مشابه تاریخی آن در جاهای مختلف یا در جوامع و در سطح هستیم و ضمن این معلومات از
[illegible] با تضادها و با آن حادثه و تحلیل ماهیت و نقش و اثر آن [illegible]
می‌نشینیم [illegible] حال وضع آن [illegible] و گروه‌های سیاسی [illegible]
مرحله آغازی را مجسم کنید که مرحله رفع [illegible] شرکت و [illegible] در سنه شرکت یا هم
شرکت و انتخابات مجلس مورد [illegible] مرحله دوم [illegible]
مرحله دوم با [illegible] شرکت یا هم شرکت
آن و همین [illegible] از [illegible] مردم و [illegible] آقای [illegible]
[illegible] مرحله [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] اوضاع و در [illegible] سیاسی و [illegible] آن
[illegible]
[illegible] از طرف [illegible] حاکم ایجاد شده پس کسانی که مجموعه رفع به موضوع فوق
تصمیم [illegible] واقعه [illegible] و [illegible] تغییر [illegible] تضادها
کنند زیرا [illegible] مرحله [illegible] و [illegible] آنرا
[illegible] اکثریت [illegible] و واقعیت [illegible] حول [illegible] سنه مرکزی [illegible] خود در مقابل خود داشته

۱۸۵

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از جهت آن عمل و شرایطی که این استنباط‌ها و یا لزوماً این سازمان با آن شی‌های مخصوص معلول آن‌ها هستند
روشن را حصر نمایم و در مجموع برخی‌های تجربه ...

آن بهان شکل و محتوای واقع شده بوده ...

خود به یک حادثه تجربی تبدیل شده است و یکی از اتفاق‌های روشن همان بیماری است
قضاوت و گزارش جوان ۱۸ ساله‌ای را که به بیماری دیفتری مبتلا است به بیماری آبله
با قضاوت دیگری در همین فرد در زمانی که پزشک متخصص در رشته اسکوران شده را جمع به بیماری آبله
پس فرد در همان موقع جراحی شده و بهبود یافته است چگونه تعلیل می‌کنید؟
این تعلیل به چه شاهدی می‌کند نسبت به حادثه‌ای که در زمان حال در شرایط اکنون است
قضاوت درباره

بیوقتی و سلامت صبیه

یک وقتی که ما همین حادثه را از ما فاصله بعید یا نزدیک تاریخی بعد قضاوت قرار می‌دهیم مگر اگر دو
تعبیر گیر ما می‌کنیم یک حادثه مربوط به آبله و دیگر دیفتری و دیگر حطی یک تفکیک کیفیتی آبله
شدید کیفی و بری امتحانی قرار بدهیم بنوع و ماهیت صحیح آخر را بگیریم تقریباً یعنی بر تی قرب
و تعلیل نمایم و از لحاظ ماهیت سعی کنیم در این زمان و حطی‌های سعی و در این حطی بدهیم و قصد را
بر تمثیل تجربه و دانش خود را بیافزاییم اما این بری و کیفی انتقادی و ذهنی می‌کند در تغییر و تصحیح
آنچه صورت گرفته و همین ترتیب در تاریخ بری و حتی الوقوع بودن آن موثر واقع شود.

یک حادثه مجرد و فرع آن تجربی را از حیث امکان و قوه به حیث فعل و فرع و فعل امتثال
و نیت اصحاب ما پذیرفته می‌شود و این حادثه اصحاب ما پذیرفته است به نیت
برای دلیل ثانی و همین حال بچه ... اتفاق افتاده است! در نیت به این دلیل دارد
بالقوه علیه دیگری امکان و فرع آن و دارد ما اتفاق می‌افتاد! جراحیم
نگفت من یک حکم مطرح کرده‌ام و این ضرورتی را اثبات می‌کند. اما اجازه دهید
یک مثال بیاورم و تاریخی منظور
دقیق‌تر را مطرح کنم را توضیح دهم. برای رعایت خاطر کامل خواننده توضیحات همان مثال تاریخی
اصرار نیست بین الاثنین را اندوز ترجمه کرده‌ایم. بدانیم که در یک دور تقریباً چند زمانی

یعنی قرنها از اوائل قرن ۱۰ هـ ق به سبب کارهای دیوانی در دست آنها و از اروپا یکی پس از دیگری به جانب
مرز تیم و سیاست مالی با دارندگی خودی و دراهی دموکراسی بر شرایط روی آورده بود. بطوریکه در آستانه جنگ
بین الملل اول کار این سیاست مبارزه با اسلام به اوج رسیده. اکثر قریب به اتفاق این اعراب و اسلام‌های اکثریت
قرنهای آنها، در پایان ها به اعتبار جنگی در دل بود و رابطه خود را ادامه داده و به این ترتیب
حاضر شده تحت نفوذ سیاست امپریالیستی و جاه‌طلبانه بورژوازی خودی و علیه منافع بورژوازی کشور خود و دیگر کشورهای
اسلامی وارد عمل شوند. یکی از مهمترین توجیهات این ترتیبی آنها برای در پیش گرفتن چنین سیاست
مبارزه‌گرانه و جنگ‌طلبانه‌ای همان داشتن و به عقب بردن شرایط الله (سبیل سالیق) بود. این بود سطح تفکر این نیروها که مولد
و ترویج دفاع از دین و دموکراسی بورژوازی در قبال رژیم صادقی بود.
آنها در ست نزد انقلاب با توصیه‌های بورژوازی و دفاع بر قبول از نفس تعیین کننده نیروهای مولد در کردستان اجتماعی
و تبلیغات بورژوازی مبنی دموکراسی و دین بورژوازی از دستور و صادر شکر نمودند و سرمایه‌داری اروپا
[illegible] جنگ امپریالیستی و تجاوزکارانه بر علیه کشورهای دیگر تا برای تحاضر از افتن
جنگ داخلی و انقلاب پرولتری و رهائی از نیروهای فشار کننده‌ای در تاریکی از نزدیک شده بود و در نتیجه
گذاشته بود. واضح است که سیاست این اعراب [illegible] و ترتیبی جز خیانت به اسلام ترین
منافع پرولتاریا و زحمتکشان مردم با شعارهای اعتراضگرانه و تسلیم شدن و نیروهای کارگری به دلالان
مورخی و صاحب درنده خوی صلیبی صلح‌طلبی و نام محمد بکار برده است. با این توصیف آنها اسلام
این تقسیم ترتیب نمودند و صحبت بر سر ادامه جنگ و حمایت از انقلاب سوسیالیستی در این کشورها به تاخیر
[illegible] و در وضعیت کار بر روز خشکی کشورهای متحاصم بیای پس بر روی انقلاب پرولتاریا
در کشورهای درگیر جنگ امپریالیستی بورژوازی بی‌مایه بر کنار چون یک گروه وابسته نمایش بر
صلیبیت و تسلیم طلبی و شکست بورژوازی در این اعراب و سران مرتجع خود فروش آنها بود.
و آنها در نهایت مقصر اصلی این سیاست‌های رنگارنگ نمی‌شوند. ما کسی با تقسیم اینطور برخورد می‌کند. ما کسی به

پدیده تاکتیکی و استراتژیک و تحلیل قرار میدهد. گاهی وقوع یک حادثه و نتایج آن را ترکیب می‌کند. اما برای
علت جزئی، گاهی با یک علل اصلی و با علل معمولی ظهور دارد. گاهی تقصیر و گناه خرابی یا عده‌ای از افراد
یا گروه‌ها و احزاب یا علت حوادث کم و بیش بزرگ سیاسی می‌شناسند و دست به تقصیر و گناه

[illegible]

که کمونیستها و نفس ۹۹٫۹ بعد از ۱۰ اسفند و استبدادی نه‌ضی که از این مسئله دخالت دارد مخصوص این "تقصیر
و گناه" بجز امکان تحقیق تغییر خط‌ها و سیاست‌های گذشته یک حزب یا یک تشکیلات وجود دارد. بهمین
دلیل نیز ما در کیم و یک بود و ما کتیکی و تحلیل و تحلیل ما در ما گاهی در سطح و زمینه قضایا و حوادث باقی
نمیماند و در غیر اهمیت گاه است. لحظه‌ای روی این استنتاج خود ایستادگی کنید تا با تناقضات
نامعقول و منفی‌ات غیرقابل رفع نظری روبرو گردید. فقط چرا و چه دلیل یکتا و یک عدد و شخص
خیلی بزرگ و تیپ شخصیت‌های دارد یا اکثر احزاب کارگری اروپا غربی ظاهر و حتی غالب اصلی می‌شود؟ چرا و چه دلیل
نیروهای حزب و جبهه کارگری بار رهبری خود را بدست رهبران نمیدهند آنان را به چنین بی‌اهمیتی
خطرناک یوش دهد؟ چرا مخالفت و اختلاف‌های بخش‌های اقلیت این احزاب نمی‌تواند یا گاه تفردی
قابل اهمیتی در میان اکثریت نیروهای سیاسی و حتی میان توده‌های طبقه کارگر بوجود آورد؟ و آیا این
افراد بزرگی در جهان دوران و تخصص رهبری این احزاب تمام اثر گیرنده سرنوشت و رهبریت کار را تعیین
کنند سیاسی بیداری دیگری می‌انجامید و با خط‌های اینست شده تغییراتی دیگر کرده می‌گفت؟

[illegible]

[illegible] تناقضات آشکار و غیرقابل رفع نظری و اولیه خودشان دارند بیکاری
[illegible] است. بدین ترتیب اگر بخواهیم مقصرین اصلی را در سیاست‌های تیپ طلبانه احزاب
و رهبران آن جستجو کنیم آنگاه باید دنبال آن شرایط و علل باشیم که احزاب آماده پیدایش این
احزاب به تفوق این سیاست‌ها و ارتقا و رشد چنین رهبرانی در آن دوره خاص بسر شده است.

[illegible]

www.iran-archive.com

و این اجتناب ناپذیر بودن را نه از قضا و قدر الهی بلکه در آن مجموعه تعیین کننده شرایط اقتصادی و اوضاع اقتصادی
سیاسی و زمینه‌های تاریخی جامعه و طبقات دانستیم و از این زاویه مسئله مورد بحث خود مان را مورد تحلیل
قرار دادیم آنگاه

سرمایه داری ترکمن هنوز در مرحله تبدیل آن به امپریالیسم قرار نداشت. با این حساب واضح است
که برنشین ها و شیخ ها و آغاها و ملک ها و کارتکی ها و ماداخ ها در تحت رهبری آنها
قرار داشت نه سلطنت و اتحاد و دنباله‌ای از آنها است و بلکه بیک شعارهای وسیع و عمیق اسلامی
و تاریخی خود رسول و مخلوق آن تراکمی بودند که وجود و نفوذ و حاکمیت این ایرانیان را
تا یک دوره تاریخی از اسب اکبر و تکیه می‌کرد. ۳ - اجتناب ناپذیر ناصر بود
ما نظور و اصطلاح شیر دار در این بیان نه تنها با تعصب و نه تقصیر می‌باشد بلکه تنها مصطلح آن در جامعه
معمول شده است. بلکه وقتی واقعیت اجتناب ناپذیر بودن صنعتی و اقتصاد و صنعتی بودن ایران را
مورد تحلیل قرار دادیم از این زاویه مسئله را مورد تحلیل قرار دادیم آنگاه همان پروسه‌های آنگاه در آن
رهبران و تا مبتدی‌ها و شیخ‌ها و رهبران مبارزین اصلی و تعیین کننده‌ان قطعی این وقایع و این پروسه‌ها نظر
پیدا می‌کنند و خود را تحمیل می‌کنند و جانشین دیگر محکوم می‌شوند که اگر حاضر به ایفای صنعتی تعیین نشوند
نمی‌شوند. بنابراین ما صحت جانشان با کاری مناسب برای ایفای صنعتی تعیین نشده‌ای باشند پر می‌شوند
اینکه کسانی در مدرسه‌ای رهبران سرسپرده سال‌های ۱۹۰۰ بعد صنعتی شدن و تحولات حاضر به تبدیل
صنعتی نشده‌اند به چه سرنوشتی در این سال‌ها مبتلا شده‌اند و وقتی تعیین وارد زاویه تعیین
می‌گیرند تا کوان لوراف خود را از هر نیروی تابع آنگاه آزاد می‌یافتند و تبدیل رهبر و نقش می‌گیرند
تنها محدود آنها را که از این اقلیت‌های تنها ضعیف لوراب کارگری اروپا و دیگر انسی بیرون آمده
(یا به اصل سیاسی) جمع شده بودند به صنعت و سخنرانی جمع زیرا نمی‌توانند در حالی که صلاحی جمع
حل می‌شود از هر گرسنه از اروپا به آنها بلند بود و تمرکز صنعتی مردم این جمع محدود و مناسب قشر را
تبدیل و زیرا آنان را مجبور می‌کند و زیرا از هر طبقه و لغت‌های [illegible] صنعت
صنعت جرئت و ریشه‌ها این تابع در نقش تنظیم طبقه رهبران و لوراب کارگری
این سال‌ها تا چه اندازه خیر علمی و تاچه اندازه سطحی و ذهنی کرده‌اند

www.iran-archive.com

۷ چه بسا شرایط وجود داشته باشند که تغییری غالب نتایج حاصل از مثال فوق را آورند. تغییری که ...

۱۷۲

بسمل ۲۰

در تصور کردن این احوال ذهنی و بدست صحیح ذهنی گرایانه که گویا اگر این رجحان بدان کار القدیح
و تابع منافع حقیقی و تلاش بود و اگر فلان رجحان خصوصیت و خطای ما دارا بودند از فلان و بلان
خصوصیت و تنها یک اصحاب میکردند اوضاع به گونه دیگر ... بود چه اندازه
کثیف و غیر قابل ارزش ... است. تا سیکی از آن ادوار

شاید برخی از خوانندگان، استنباط صاحب از مثال فوق را از آنجهت صحیح و قابل قبول بدانند
که اتفاقاً مثال موردی است که صرف نظر از تمام تاریخی و سیاسی که در بسیاری از نظرات در کثرت
غنیمت بحساب در نظر گرفته شده و حوادث ... اگر فلان را یک حادثه تغییر سیاسی یا یک
واقعه ... که سیاسی ... انتخاب کردیم که دارای ... محدود بود و زمان تغییر کرده را در نظر گرفته باشیم
آنگاه تغییر ... در آن خواهد بود که مثال ... بجنبه ... ترتب ... ثبت شده کردیم. چه بسا ۷
تغییری که ممکن است حوادث را ثبات کند که در واقعه ای متوقع نگذشته، از آنجا که احتمالات ... است
و چون حوادث و وقایع در سیر است و کاملاً ممکن بود که ... بشکل دیگری غیر از آنچه
اتفاق افتاده است صورت و رخ یابد ... یک ... آن خواهد بود

واضح است که برای ما ... این ایراد ... بطور خالص ... تقسیم ... ترکی وارد
نیست. منتهی ما ... امکان و صورت ضرورت ... آزادی و صیرورت ... قائل ...
آنها ... امکان ... می کنیم ... برای ... مناسب ... نداشته ... کار به ... آشنایی ... آنها واقف
است ... ادراک کنیم ... عرض ... مطرح ... را ... مثال ... مثلاً ... در ...
... مثال کنیم

... ثقب ... در ... جریان آب ... آنها ... ثقب ... آب ... ارزش ...
... می ... مثلاً ... ثقب ... شده است ... مثال ...
... واقع شده و ما توانسته ایم آنها را بطریق ذیل احصاء کنیم: ۱- تغییر ... ثقب آب ...

۲- چون بودن دست ما ۳ ضرب بودن قوت تقسیم که مشغول بودن فکر ما به موضوعی هستیم
البته است اینه ما را از تأثیر تراز داده بر ... و بالنتیجه کشش ما ... نسبت به شاه
از فرط تعجب اشتباه ما کشش ما ضرب قوت را پیدا کرده بود ... با صعود کارش تراکم الکترون برای تأثیر
مرکب از عوامل فوق در حادثه اتصال و شکستن نقاب ... دقیق خود با نقطه ثابت
تمام عوامل فوق البته مرکب به تناسبی ... دانستن آن ... ما است
در اتصال شکستن نقاب بنوی ... تأثیر داشته اند
قوت ... اکنون مشهور است ... در اطراف این ... تعبیر ... تعریف کرده ... برای کشف ... در ...
اولین سوال ... مطرح شد ... اتصال ... نقاب ... بر روی ما ...
حاضر ... اگر کشف آن ... قوه ... بود ... آن را ... پاک کننده ... و اگر
... اتصال ... نقاب ... ضرب ... با ... نقاب ... تأثیر ... قوه ...
اگر آن صورت ... تعیین ... اتصال ... طرف ... به اتصال ... مشغول ... در اتصال ... پیدا
شد ... اگر ... و ... آن ... اگر ... ضربات ... را ... نقاب ... پیدا
... آن ... آن ... آن ... آن ... آن ... آن ... آن ...

و نظم خاص زمان و مکان، اتفاق افتاده است. همه آن مشخصات و مختصات را بطور مادی و انضمامی که نمایش
حادثه مورد نظر ما در برگرفته است ثبت می‌کنیم. بنابراین وقتی مثال افتادن نقطه سیب
را مطرح می‌کنیم، این افتادن، این واقعه، در آسمان هفتم و در جوار ملک و یا در زیر اقیانوس آرام و در کنار
پرین دریای اتفاق نمی‌افتد بلکه در ظرف زمان و مکانی مشخص و معین و همراه با آن مشخصات و مختصات
دیگر نقطه شاخص و تاریخ می‌یابد. بدین قرار ما مطلقاً موظف و مجبوریم که وقتی یک واقعه‌ای را مربوط
به زمان گذشته، واقعه‌ای دیگر متعلق به تاریخ معین دانسته است، مرحله به مرحله یک مراحل ثابت از وقوع
آن گذشته شده، مورد بررسی قرار می‌دهیم. تمام آن شرایط و یا اثر حادثه مطالعه را بطور مادی
و جزئی از لحاظ مرحله سابق با آن حادثه در ارتباط قرار داشته‌اند نیز مورد توجه قرار داده و حادثه مورد نظر را
مشروط به وجود همگی آنها مورد بررسی و قضاوت قرار دهیم.

خوب اکنون دنباله همان مثال قبلی را تعقیب نمائید. با این شرط دیگر فرق ندارد وقتی حادثه یعنی افتادن
نقطه سیب را در دل در نظر گرفتیم یا در اثر پیش گفته مورد قضاوت قرار دهیم. زیرا بجز دانستن یکی از
یا اثر مورد انحراف کند دیگر نظر را سادی مورد مثال را آنچنان تغییر داد که بجای سیب نقطه سیب می‌آمد
پس ترکیب و جریان دیگری از جهت منتج حل اجتماع گاه اتفاق یا پدیده را مورد توجه یعنی از نظر تقدم و تأخر
در موضوع دوم تقدم و تأخر پیدا شود هیچ تضاد نمی‌کند و با نقطه حل یعنی افتادن سیب از درخت با اثر فرق
اصل ثابت است. یعنی نمی‌توانیم بگوییم که اینکه حل اصلی گاه در آن اصل ثابت است
چرا که بلافاصله دیگر اساس تقابل دیگری معنا نداشته و چگونه نتیجه‌گیری تقابل مخدوش و بی‌اعتبار است

[illegible]

خوب، اگر ما تمام این شرایط را با دیگر در نظر
قرار دهیم چنان ارتباط ارگانیک و غیر قابل تفکیکی میان حادثه مورد بحث و تمام آن عوامل در برگیرنده
آن، یعنی مورد بحث گاه فرق مشاهده نخواهیم کرد و چه بسا از صدور این حکم در آن مکان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وتنها حال [illegible] است [illegible] با ترجمه با مجموعه این عوامل

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

www.iran-archive.com

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تعبیر کردن واقعه یا اشتباه اصحاب به جای آن واقعه و اشتباهی است که هنوز اتفاق
نیافتاده است!! و بمجرد اینکه آن واقعه آن اشتباه و آن عمل شخص صورت وقوع
یافت اصحاب تاریخ برمیشود!! و تحلیل و بررسی آن روان تحلیل و بررسی یک واقعه
مربوط به تاریخ سخت باید بالای مقدمه زمینی آماده شود.

یکشنبه ۲۱ مرداد ۵۸ بعد از افطار.

دیشب نشستم به امروز قبل از افطار مینویسم اما با قیافه مطلب دیروز قبل را دوست دارم که تاریخ بنویسم
و تحلیل و تذییل بر آن تاریخ دیروز قبل بنویسم. دوم از این تعقیب دوم خودم هم میگیرد! بهرحال این
تعقیب هم ماند و تعقیب دیگر باشد شعوراً انجام گرفته شد یا بلکه بعد یا بافت آن رشته افکار خواهد ماند
و سپس بیک سر فصل چه چه باشد. باری این دی مطلب خیلی مهم است. اولین موضوعی که باید
بدان اشاره کرد تحلیل نوع دلبستگی است که ما از یک قسمت از تاریخ معاصر داریم که این امر مطابق
و منطبق بر آن شرایط فوق بعمل خواهد آمد. این قسمت عبارت است از تحلیل عمل اجتماعی رسمی و تاریخی بر حوادث
از نتیجه عمل معاصر سلامت است که بعضی یا بعضی که در جریان میدان صاحب شعور شده بودند چرا که در ایران
اصلاً آن واقعه بر آن شد بایل قائل و دست آمده که بطور تاریخی اصحاب ناظر بر حوادث است
که در زمان حقیقی حالت آن را دیده بودند یا اصحاب بر حوادث

و دومین موضوع اثبات اصحاب را که در سال گذشته شروع کردیم با اشاره به پایان بر اجرای تاریخ داریم
به طرح
برخی فرزندان شرکت انقلاب شرکت و انقلاب دوم ۲۷ خرداد ۵۹ ایران است. البته هم اینها بعد مختصر
و اثبات شده و داده. اولین موضوع را شاید اگر حادثه دیگری پیش نیاید از فردا شروع کنم باید تا کید
بر اینکه عزیزم احتیاج شده به دقت مدارک و کتب لازم برای [illegible] و علم و [illegible] و [illegible]
مرد دکار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

www.iran-archive.com

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دوشنبه ۲۲ مرداد ۵۸ ساعت ۱۲ ظهر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

www.iran-archive.com

۸۴

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible] آینده [illegible] سال [illegible] ساعات [illegible]

[illegible] امام [illegible] و این قضایا را [illegible] روزی [illegible] امام [illegible]

[illegible] دستگیر شده است [illegible] (یا روز؟)

[illegible] نمی‌دانم [illegible] پولادوند

[illegible] ولی [illegible]

[illegible] ولی [illegible] اما [illegible]

[illegible] نمی‌کنم [illegible]

[illegible] وضع [illegible] خوب [illegible]

[illegible] برای اولین بار [illegible]

[illegible] چرا [illegible]

[illegible] نمی‌دانم [illegible]

[illegible] چرا [illegible]

[illegible] نمی‌دانم [illegible]

[illegible] آنها [illegible]

[illegible] آنها [illegible]

[illegible] آنها

و از تو خواهش می‌کنم وضع بعد قابل تعلیم باوضعیت روحی است. به هم نسبت گفته شده و در آنها اصل خستگی
و خواب آلودگی می‌کنم. هرچند که نتوانم بخوابم. پای راستم از بالای ران تا صدمه بالا و در گرفته و درد کمر
البته بهتر است ولی هر روز خیلی بیشتر از او دهنده است که فکری کنم مجرد تا نشی از حالت زیر زمین مانده
و هم نفوذ هوا به درون آن
اتاق باشد. مخصوصاً با توجه به هوای آلوده که در خارج شیوع دارد. پس البته بودن را در خارج بهتر است
حالت شرجی و خفگی آمدی بود اتاق بر جود دید. اگر که در آرام روشن کنند در البته آنها بر آن نیست
و دوری می‌کنند البته نه آرام باشد. روزهای پیش در اخیر کرم بود و تنها رفت و آمد تا هنوز اشتند. اتاق
هوای
حیات تنگی و خفه شود و به زحمت در اتاق تنفس را مشکل می‌کند. در حین مراقبتی من خیلی ساده می‌آرام
تعاریف بهبود و بی هوای تازه بودن و هوای داخل اتاق را از طریق دهنی ام را به دفتر در اتاق بجیبم در حال
بدست و نسبت هوای تازه را استنشاق کنم نفهمم.
وضعیت تنگی بودن
سوزش معده نیز همچنان ادامه دارد و باعث آنکه در بستر پشت آن
حالت تنگی و گرفتگی قلب ادامه دارد. تا من در بستر نیز حال دچار شده بودم تجدید شد.
در عرض نیز ادامه است. روزهای قبل متبرشده دلیل ثابت سه مرحله مجرد ما از آنها نیم و حالت روحی بهتر
تر در آن متبرشده تطبیق داده‌اند.
اوضاع و اسباب استراحت کمی مغشوش است. یعنی کاملاً تابع میزان مرحله‌ای اتاق تمام است بنهان شود و
نزدیکی مرحله میلاری باشم. یا در حالت دراز کشیده باشم تا تنفس راحت بلند شود و راه بروم تا
مرحله‌ای وضعیت عادی‌های اتاق همانطور به انجام رسد. دلیل عده‌ای از آنها تازه است. قوی
گرفته بود و تا حالا و البته بیماری بود و یک عدد ۱۵ بود که کم کم رضایت آرام گرفت و من بود
به رضایت است. یعنی همان چیزی که انتظار داشتم. اتاق به لحاظ محافظت طولانی نتوانم بود و دیروز از خواب
را بخوبی پیاده کردم. از اصلاح سر و صورت و حضور و تنظیم و مدیل کنید بودن کف اتاق و دیگر دهنده
شده و دیگر
از تبدیل و تغییر کاملاً کردن

www.iran-archive.com

[illegible]

[illegible]

[illegible]

www.iran-archive.com

جای او را گرفته است

* ساعت ۱۰ بعد از ظهر (شنبه جمعه)

مدتی دو ساعت پیش من آمد و دریچه را باز کرد. حتی آنکه کتاب عمل قرآنی - مادری سفری را برایم آورده بود. در جواب اینکه چه شبی گفته بودم چرا روزنامه ممنوع است؟ کاغذ آورده و یک نسخه یک دادگاهی برایت تشکیل میشود!!! ان شاء الله خیر عمل میشود.

در این ضمن قرار شد آقای هادوی کاغذ آن کارهای شبه کاندوش را انجام بدهم و حال

طرف آقای قدوسی

مرتبه من کاغذ دست و آقای هادوی است. پرسیدم آقای قدوسی چی؟ معنی چیست؟

گفت یکنفر بوده است و در این حال دلتان آنجا صرف است در میدان بعد سفر

خانواده اوضاع مرتب بود. البته اگر دلتان خواهم بخواهند دری حق دارد تقسیم بندی

اجر برای بدبین بوده است اما آیا امکان این بود دارد که بعد از تحمل اینهمه مصائب و دیدن

اینهمه بالاها و اتفاقها و دور از مرگ شدن بشری و صورتی، بلکه الفاظ دیدن است

پیروز شد؟ و کسی را در تمام عمرش را در دل ساخته و الفت که الله سعی با طرف کلیه زلیخه بسته ای

دوره ... تعاون برای از کردهای ... در آن به مهر امضا گذشته بود ... امیطور سوء الام

و ستم قرار ... و به ادعای ... ام ... هر چیز ... در کار به این دادگاه ها کنیم

ترجمه

مثل ... من تنها گرامی بود و در حین ... حرکت ... دیدم و خواهند دید.

جمعه ۲۳ ... ساعت ۱۰ بعد از ظهر: بعد از ظهر جمعه ای با سهم صحبت کردم. سعدم شد خودم را در قضیه به اصطلاح ...

نمی‌بیند که تقاضای دلتان قاضی ... که دلتان تشکیل شود و حیات! از او پرسیدم ...

www.iran-archive.com

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

www.iran-archive.com

قسمت چهارم: فرزند ال اون

شماره مسلسل: ۵۹

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تقصیر است

یکی از بچه‌ها گفت دوستی ایران را خوب بلد است. فهمید حرف او را می‌زند. [illegible] تقصیر

دولت [illegible] بچه‌ها بزرگ‌ها و بعد شروع به [illegible] حسن صبحی [illegible] قول جوان حسن صبحی.

یکی از بچه‌ها بزرگ‌ها [illegible] چشم را بسته و [illegible] گفت دوستی اینجا را خوب

بلد است گفتم [illegible] صبح روز ۲۴ بهمن آمدم [illegible] تقریباً ایران بودم [illegible] شدم

[illegible] من تازه از ضلع آمده‌ام. دم در [illegible] چشم را نبسته گفتند [illegible]

اینجا را [illegible] دفعه [illegible] با ماشین آمدند [illegible] دم در [illegible] داد

[illegible] واحد و یک [illegible] آبدار [illegible] شد.

[illegible] دم در

[illegible] صورت [illegible] تقصیر [illegible]

این جا [illegible] آنتن [illegible] اولاً به [illegible]

[illegible] ما [illegible] می‌فهمید این کارها [illegible] شد [illegible] بهتر [illegible]

[illegible] دولت [illegible] دولت [illegible]

[illegible] ن ۲۲۶

www.iran-archive.com

[illegible]

انقلاب، [illegible] صحبت ما معلوم بود که چه با دولت اختلاف شده است.
البته جانب اینها است که هر چه بودند داری [illegible] ارتکاب میدهد و حاضر است زیر پا لا[illegible]
برود با رژیم اینها راضی نیستند و چیز بیشتری را میخواهند. یک کلام آنها منتظر استعفا مدنی بازرگان
آمدن کابینه دولت است. راستی مذهبی در کرسی نشستیم و چون برای نیروهای چپ هستند و لهجه [illegible]
بفرمایید نیستیم راضی نخواهند شد. نیروهای آن ارتباط با نیروهای تشکیل دولت [illegible]
[illegible] کمیته [illegible] با سردار دولت در اختیار آنها است. اما اگر آنها
حمایت می کنند و کنترل اعظمی از نیروی انسانی و سازمانی [illegible] ارتش و کمیته [illegible] دارند. با صدا کنند
[illegible] و [illegible] فضای انقلاب نیز تا حد زیادی با ما هم [illegible] نخواهد آمد.
[illegible] دولت
[illegible] ارتش [illegible] کنند و نه [illegible] بسیج و [illegible] در اختیار [illegible] دارد. یک گروه
[illegible] قبول [illegible] حاضر [illegible] بسیاری [illegible] دولت [illegible] اما [illegible]
[illegible] قدرت [illegible] کند؟ با [illegible] این [illegible] بی [illegible] بی [illegible] تر آن است [illegible]
با نیروهای دیگر است [illegible] این [illegible] الکف [illegible] عقد [illegible] بسته. الان تنها چیزی
که دولت بازرگان [illegible] حمایت ظاهری و زبانی آقای خمینی است و اینکه هنوز
امام موقع را برای کنار رفتن بازرگان مناسب نمیدانند. او میخواهد [illegible] این قسم [illegible] اساسی کردن
کارهای [illegible] را انجام [illegible] آنگاه بطور قطعی قدرت را بدست کند [illegible] اختیار
[illegible] هستند [illegible]. بنابراین [illegible] بازرگان [illegible] است و [illegible] نیروهای
چپ نیز [illegible] تشکل [illegible] و یک [illegible] و [illegible] قابل اهمیتی [illegible] هنوز [illegible]
و [illegible] قطعی است. [illegible] اصلاح علیه دولت بازرگان در میان این [illegible]
از نیروهای [illegible] در میان [illegible] نیروهای متشکل و مسلح [illegible] آنقدر زیاد شده است که من
هم و [illegible] آنها حتی تا [illegible] قانون و [illegible] صبر کنند. [illegible] آقای خمینی [illegible] است

www.iran-archive.com

[illegible]

جهت از جریان اعمال انتقام قبیله ادوی بود. یک نفر دیگر از آقایان پاسدارها در [illegible] آنها از زنان
و از سربازها و ارتشی‌ها هستند مردی را که آن موقع بود را ایشان سلاح داده و حمله زنان شوند. یک [illegible]
سلم جوان [illegible] جدا را گرفت و گفت سابق دیگر [illegible] را آخری [illegible]
از ابتدا تری [illegible] اولاد یک زنان [illegible]. سلاح و اسلحه نمی‌شود [illegible] پاسدارها [illegible]
و اندازه [illegible] و آن [illegible] زنان [illegible]
که [illegible] جوان [illegible] اولاد [illegible] باید سلاح آن را آخری [illegible] - بالنوع آقایان [illegible]
نمی‌دانم [illegible] با [illegible] مراقبت [illegible] که [illegible] باید [illegible]
این [illegible] از آن [illegible] نظم [illegible] و [illegible] سلاح [illegible]
از [illegible] [illegible] جهت [illegible] در این [illegible] آن [illegible]
نیز [illegible] تعدی [illegible] پاسدارها [illegible] آن [illegible] [illegible]
[illegible] کار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] یک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
هم اکنون [illegible] پاسداران [illegible]
[illegible] آقایان [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] قوم از جنبه [illegible] و درب امنی گذشتیم به بیت درب محوطه مدولا رسیدیم. تقریباً عبور از این درب
درب [illegible] را مرور و نقر این بیت [illegible] چوبان [illegible] حافظ این بند [illegible] آنجا بود.
بالاخره [illegible] یکی از سربازها آمد و [illegible] این سربازها آنرا [illegible] ساختمان که زندان بودم
داشتند [illegible] و [illegible] صدای بلندگو را [illegible] صبح تا [illegible] عصر [illegible] غیر [illegible] فکر می‌کنیم.
آن وقت انتظار [illegible] بود و [illegible] دل [illegible] تواضع ایجاد [illegible] از [illegible] اشتی [illegible] از [illegible]
[illegible] پیغمبر [illegible] بعد [illegible] زندان [illegible] با [illegible] آن روز [illegible] را [illegible]
[illegible] به آنجا منتقل [illegible]

[illegible] این [illegible] بودم. آنروز ۲۴ بهمن ۵۷ [illegible] صبحی [illegible] این
[illegible] بینیم. البته [illegible] بود و [illegible] آنها را [illegible]

[illegible] آنروز [illegible] خانه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و [illegible] اشتر [illegible] سر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]

[illegible]

غیر از سه ساعت ۵ دقیقه پاکی نوشته است، دو رفیق خدا که در تاریخ [illegible] دیگر شده از
نام [illegible] (هری و کیری نام) جیب هستند که در حین جاسازی اسلحه دستگیر شده‌اند. چهارمی فردی
آذربایجانی است به نام عزیزالله [illegible] می‌کرده می‌باشد و اقرار [illegible] داشتن سلاح و [illegible]
دستگیر گردیده‌اند. در صد ۱۹ [illegible] و در همان روزهای اول در کیسه [illegible] را [illegible] به [illegible]
[illegible] که [illegible] است. من هستم از [illegible] لغو [illegible] و [illegible] که [illegible]
[illegible] هستند خبر داریم [illegible] تا [illegible] که [illegible] ام [illegible] را [illegible] !!

اما شکل سوال: شکل سطحی [illegible] بیشتر به [illegible] قدیمی [illegible] یک [illegible] مشابه به [illegible] خانه‌های کنونی
شبیه است در ارتفاع [illegible] متری یک پنجره به عرض ۵۰ سانت و طول ۷۵ سانت وجود دارد
[illegible] که به [illegible] محافظت می‌شود. از داخل سوال تنها مستطیل [illegible] کوچک‌تری از آن
[illegible] در حدود ۴۵ سانتی‌متر در ۷۵ سانتی‌متر [illegible] اندازه [illegible] شده و سوال طوری [illegible] شده
[illegible] است.

یک [illegible] آهنی است، یک [illegible] آهنی که یک [illegible] و [illegible] که [illegible] سوال [illegible]
بدون سوال را [illegible] [illegible] [illegible] سوال [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] ارتفاع ۵۰ - ۶۰ سانتی‌متر در سوال مستطیل طول ۴۵ - ۴۰ سانت و عرض
۴۰ سانتی‌متر [illegible] شده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در [illegible] سوال [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] سوال قبلی. نمی‌دانم در قسمت‌های [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

www.iran-archive.com

[illegible]

مشکل‌تر و زندگی در آن گذشته‌تر است. یک تقاضای ساده جز اقناع لای مسئول،
قدیم‌ها آنها را مسئول شرکت نامیده بودند، مسئول قدیم‌تر قصرالدین میدهد اینجا
چه اشیاء آنها را از دست دادم، رفتن مغازه‌ای سه چهار بار برای دستمزد و مکاتبات به دستمزد
بنده، بخره قدری بزرگتر، صدای نزدیک و آدرس‌ها ثابت ضبط بند انواری بودند. این دو سه هفته
آخر اجاره یکی دو ساعت هدا فوری و مکرر زدن به ضبط بند انواری کرام داده بودند. حالا که عمرک لنزلها
خبری نیست. البته محبت آن کمیان خوب دیدم را لازم مقدر بود لذت دادم.
خدای اینجا برات بد تر آنجا و یک دعوتی را من دیدم کاملا نارنجی است. یک
ناهار را دوانده مرغ کباب کوبیده چه ماسیده و قدری برنج سرد شده و درست بعمل بیاید عمرل یک کف
دست نان سربری از سوراخ چه پایین در دادند تو. یک [illegible] آمدند آب جوش
آوردند بزند و یکی کم با چای لیتون چون من لیوان داشتم و لیوان هم از سوراخ پایین در دو
از دو کنه بالا تو نمیدم از دانی منصرف شدند. بزرگ‌تر برای من البته آب است تا سقاخانه دیگر اینجا
اصلا خبری نیست و باید همان آب شیر دستشوئی ناخت من چیزی نخوردن نداشتم دیگر هم
[illegible] خدای مسئول در مسئول قبل را دیدم یک چاه هم هست. اما اهل عراق کردن زیاد، آب زیاد دیدم
آن وقت آن آب بدم باشد هم [illegible] رفع نمیشود هم [illegible] دیگر. صحنه‌ای دیگر از خصوصیات زندان جدید این است
گاهی دیگر میان [illegible] هم به در یکدیگر کسی سراغی از تو نمی‌گیرد و معلوم نیست [illegible] عمدتا
عمدتا کسی [illegible] آنها [illegible] در مقدمه من این منع شود [illegible] بدون من در بزنم یا چیزی
بگیرم [illegible] قدرت [illegible] ادب و شوق زیاد انجام میدادند. با موصف [illegible] یک حس دلسوزی آنجا است
و آن اینست [illegible] گذرنامه حاضر هستند به هستند. البته امروز [illegible] و فردا معلوم نیست

www.iran-archive.com

[illegible]

روزنامه و لغو داد.

[illegible]

راستی اینها هنوز نگفته‌ام که وقتی آقایان پاسداران آمدند که رسول و من را به صلاح کرمی زندان ببرند با دست از سر با برنامه استند و آقای فرزانه شروع به صحبت کردن و سائل اولیه کرد. درب خیر زندان را باز کرد صحبه کلینیکس را باز کرد. پاکتی در گنجه‌ای جا برای آن گذاشته بودم و زندانی کرد و فقط طبق مقدار سیگار آنرا از سر بکار برد سیگار بودم خواست بخرد و بعد جدا کرد و با هم لخت شده و بازرسی بدنی کنند. کاغذها را از جیب‌ام بیرون آورد اعتراض کردم و تا حق داریم اینها را بدارید ما تسلیم نمی‌کنیم زندان بخرانه گفتم ما به دادستان اسلامی پیشنهاد صحبت عزیزم هم اعتراضات آنها را از دست کنان و بخرانه از دادستان و مهلت کاری هم نشود کرد. صحبت یعنی از دادگاه [illegible] ۴۰ برگ [illegible] خاطرات این چند روز را شامل لیاری از مطالب سیاسی و زندانیم شده در آنها جا دارد است. [illegible] یک تا تفصیل به هادوی

بیت صحرای

یک تا یکی صفحه‌ای از مطالب زندان - حال خدا عالم است آیا اینها را بدهند یا نه؟ حقایق و مطالب زندان را نه لیاری جلبی در آنها موجود است [illegible] و هوای دم کرده رسول را از بین ببرند. [illegible] من مستقیماً خواهند که چیزی لطمه‌ای به آنها بزنند یا آنها را تحریم نمایند نامه شده و الحمد شکایت آیا برای هادوی خانم و نیاز [illegible] عرضه الهیه‌ی دارم اوم کاری اقدام کنند تا آنها را من خبر دهند و ام اینها روی هم کلی و هم نیز خیلی [illegible] و هم تقاضا [illegible] تا دلیل به آنها باج میدهند.

این مصرع را موقعی انجا نوشتم و اگر پیش از ترکیم این صفحات بیت کسی رسید بدانند [illegible]

این نوشته صفحات خیلی بیشتری از آنچه داده شده دارد است و اگر بتوانند آنها را پیدا نمودند و بدان خاطرات آدمی در سالهای زندگی کمی نیستی هم عشق و لذت و [illegible] بر [illegible] و [illegible] بدست آید و حکومت کاری در دادگاه بود است بیاب برساند. آخرین زندانیم و سلامتی زندان آنرا

www.iran-archive.com

[illegible]

[illegible] این [illegible] بعد از ظهر است و هوای [illegible] دارد کم کم تاریک می‌شود. من جایی برای چراغ در این
منزل نمی‌بینم مگر صفه‌ای در بالای دیوار. مکانی در سقف طول ۵ و عرض ۱۰ و دیوار تعبیه شده و اتاق
را [illegible] با دیوار این لامپ باشد روشن می‌شود.

• هنوز ۱۰ سال نزدیک است که این کلید قفل در منزل من پیدا شده است!
اگر در این مدت اتفاق نیافتد و شاید آن سوزی ای [illegible] صاحب صدق پاک است!
[illegible] گمان می‌کردم [illegible] سال‌ها عوض بوده باشند، یاد آن شب اول می‌افتم [illegible]
من را صفر، دست [illegible] لذت رها کرد و [illegible] تا مدتی بعد هم کلیدی و سندهای [illegible] آن بود
[illegible] کرانه [illegible] کلید دست [illegible] را آورد [illegible]
[illegible] - چون گمان [illegible] نیز [illegible] بکنیم
[illegible] آیری [illegible] البته [illegible] و [illegible] مسئولین [illegible]
[illegible] آیزر.

• [illegible] در روی [illegible] ولتیج شد چون [illegible] نمی‌تواند [illegible]
[illegible] نمایاند [illegible] صدای [illegible] خود [illegible]
[illegible] سعدل [illegible]

[illegible] ۱۱ ۴/۶ صبح

[illegible] ۸ [illegible] بود [illegible]
[illegible] (سیاه، پیراهن) [illegible] آرام و [illegible] داشت
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] - پیراهن [illegible] - [illegible] - [illegible] صبح [illegible]

www.iran-archive.com

[illegible]

ایستادن - تو آنجا چکار می‌کنی - برو بیرون - بهت حال می‌کردم و تعارف کردم برای کسی رفتن قدری معنی
است و پیراهن چک و بلوز قرمز و پیراهن شده را پوشیدم و همه بی‌خیال که دیگر از آنجا دم و کاف هیچ کسی
گرفت - تقدیم الدوله بود - آمد خیلی چیزی داری به این آقا بگو از آن طرف دالان آمدند!!
جوان عکاس در حدود ۲۰ - ۲۲ سال متبرز است با کمی بادکی لنج از طرف دالان آمد لیه؟ ۲ ماه قبل
مکرر نزدیکی جواب داد و نداد بعکس کم نقل دست [illegible] صادق و قضات تیر کاری کنند
هم پرسید و خستان اینجا هم بود، دعا به پرخاش کردم چرا دو بار دلتنگ لزوم سولا برای خدا زمان
آشنا می‌کنند. بعد خیلی آرام و خجالتی پرسید، شما کاری که بکنید، هستید؟ گفتم معلم است.
از او خواهش کردم که متن تصویر آنچه بیان کنیم عکسی در برابر کرد لذا ام است
و آنوقت تو کدی کنی بگیر هستی؟ بعد گفت موقعی که خواستم بروم وقتی کسی نبود و منتظر من نبود
دالان بعد بود خیلی را آنجا خواهم گفت. بعد حرف عمر تیر اکبر است و من هم در عین حین بود
به عبدالله [illegible] انتظار جواب دادن - بعد سنتی رفتن عبدالله کذا است اما باس نباشد
و نیست انجا را باید اجازه کتبی داشته باشی ... که دالان در دو فرد نیست خیلی نبود، همان
به طرف کنم - [illegible] عکس کم انتظار می‌ماند که دیروز خیلی سلیمی و زنگی بر لیست لیست
کرد لذا دیگر و تخیال نباشی - ضمناً در عین صحبت حاشی از ام گفت که بزودی محاکمه شما شروع میشه.

[illegible] صدر دانشسرا در یکی از سرکلاس‌ها در لیست دو دلار با دستیم محمد الله‌ای شده است آمد
دو بانی دلیل بیاید را بردار و بردیم یک سوال بزرگ و جا دلتنگ و تنگ! فکر کردم کند جوان عکاس
رفته و تعریف‌ها کرده با این وصف خوشم نیامد و آنوقت شب از جا به جا سنگل شدم. گفتم باشه صبح،

۲۳۴/۵

ادامه

[illegible]

[illegible] سالای ۵۲ [illegible] ۱۰ ماه [illegible] زنان [illegible] که [illegible] در [illegible] کمیته A می‌پیوندد
و [illegible] تا [illegible] کار [illegible] تا [illegible] کمیته [illegible] اولاد [illegible] اینها را [illegible] می‌کنند و از [illegible] ۷۵ [illegible] ۱۷ - ۱۸
نفر [illegible] می‌دانند [illegible] می‌رسد و [illegible] را [illegible] می‌کنند [illegible] اول [illegible] و [illegible]
و [illegible] [illegible] نفر [illegible] [illegible] ۲۰۰۰ [illegible] حقوق [illegible] [illegible] برای [illegible]
[illegible] ۱۰۰۰ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]